

ارزیابی زیان

نگاهی زیر تبار نیست و شراد بر حقوق مسوولیت مدنی

مآثرات چالاکان
مآثرات چالاکان

ترجمه:

دکتر عباس میربخاری

عضویت علمی دانشگاه تهران

دکتر حافظه آجری آیسک - دکتر افروز صدی

عضویت علمی دانشگاه تبریز - دکترای حقوق خصوصی



سرشناسه:
عنوان و نام پدیدآورگان:

مشخصات نشر:
مشخصات ظاهری:
شابک:

وضعیت فهرست‌نویسی:
یادداشت:
موضوع:
موضوع:
موضوع:
موضوع:
موضوع:
موضوع:
موضوع:

رده‌بندی: نگره
رده‌بندی دیوین:
شماره کتاب‌شناسی: ۱۱

چامالاس، مارتا. Chamallas, Martha

ارزیابی زیان (نگاهی نو به تأثیر جنسیت و نژاد بر حقوق مسئولیت مدنی) /
تألیف: مارتا چامالاس و جنیفر ریگینز ترجمه: دکتر عباس میرشکاری.
دکتر عاطفه آجری آپسک، دکتر افروز صمدی.
تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۹
۲۷۲ ص.

ISBN 978-964-325-551-0

فبیا

عنوان اصلی: The measure of injury: race, gender, and tort law c2010
آسیب‌های شخصی -- ایالات متحده / United States - - Personal injuries
شبه‌جرم‌ها -- ایالات متحده / United States - - Torts
تبعیض نژادی -- قوانین و مقررات -- ایالات متحده
Race discrimination - - Law and legislation - - United States
تبعیض جنسی -- قوانین و مقررات -- ایالات متحده
Sex discrimination - - Law and legislation - - United States
ریگینز، جنیفر بی. Wiggins, Jennifer B
میرشکاری، عباس، ۱۳۶۴/آجری آپسک، عاطفه، ۱۳۶۳ /
صمدی، افروز، ۱۳۶۹ - مترجم

KF۱۲۵۷
۳۴۶/۷۳-۳۲۳
۶۲۱۷۶۶۶

رزی بی. ریان

نگاهی نو به تأثیر جنسیت و نژاد بر حقوق مسئولیت مدنی

تألیف: مارتا چامالاس و جنیفر ریگینز

ترجمه: دکتر عباس میرشکاری

دکتر عاطفه آجری آپسک - دکتر افروز صمدی

ناشر: شرکت سهامی انتشار

چاپ اول: ۱۳۹۹

چاپ دیجیتال: ۲۰۰ نسخه

چاپ ۴۵۰۰۰ تومان



شرکت سهامی انتشار

دفتر مرکزی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، نرسیده به میدان بهارستان، جنب خیابان ملت، شماره ۹۲

کدپستی: ۱۱۴۳۹۶۵۱۱۸ تلفن: ۳۳۹۰۴۵۹۲ دورنگار: ۳۳۹۷۸۸۶۸

WWW.ENTESHARCO.COM Email: info@entesharco.com

فروشگاه شماره ۱: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، نبش خیابان ملت، شماره ۹۲، تلفن: ۳۳۱۱۴۰۴۴

فروشگاه شماره ۲: تهران، میدان انقلاب، بازارچه کتاب، تلفن: ۶۶۴۱۳۶۸۴ دورنگار: ۶۶۹۶۷۱۰۴

فهرست مطالب

۷	مقدمه مترجمان
۲۱	سپاسگزاری نویسندگان
۲۵	مقدمه نویسندگان
۳۵	ساختار کتاب
۳۹	۱- چارچوب نظری
۷۳	۲- چارچوب تاریخی
۱۱۵	۳- افعال زیانبار عمدی (شبه جرم‌های عمدی)
۱۵۱	۴- افعال زیان‌بار غیر عمد
۱۸۷	۵- رابطه سببیت
۲۲۷	۶- خسارات
۲۶۳	نتیجه

مقدمه مترجمان

معمولاً، حقوق مسئولیت مدنی را نسبت به دو مقوله جنسیت و نژاد، حقوقی خثی و بی طرف می بینیم. برای این ریشه از حقوق، چه فرقی می کند که زیان دیده زن است یا مرد؟ یا آنکه عامل زیان، متعلق به گروه اقلیت جامعه است یا از اکثریت شمرده می شود؟ هدف حقوق مسئولیت مدنی، جبران زیان وارده بازگرداندن زیان دیده به وضعیتی است که پیش از ورود زیان داشته است. در این مسیر، قاضی باید خسارت زیان دیده را احراز کرده و با محکوم کردن عامل زیان به غرامتی معادل خسارت وارده، زیان دیده را به وضعیت پیشین بازگرداند.^۱ در این رویکرد، حقوق مسئولیت مدنی، نسبت به رفع تبعیض بی اعتنا است. هدف، یا رسیدن به بالاترین میزان کارایی است، آنگونه که در سطح حقوق و اقتصاد بر آن تاکید می شود.^۲ یا برقراری عدالت و اصلاح رفتار عامل زیان انظار که در نظریه عدالت ترمیمی بیان می شود.^۳

با این حال، در این مکاتب، از این حقیقت غفلت شده که خسارت جامعه به حقوق زیان دیده است، حقوقی که ممکن است از ابتدا در یک رویه ناعادلانه و تبعیض آمیز تعیین شده باشد. در این صورت، تبعیت از این رویه ناعادلانه در احراز خسارت وارده و تعیین غرامت، دامن زدن به همین رویه خواهد بود. برای نمونه، تصور کنید که به دلیل یک حادثه، قدرت کار کردن آقای الف که متعلق به گروه اکثریت جامعه است، از بین برود. در این

۲ - کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۹)، الزامهای خارج از قرارداد، جلد یکم، چاپ نهم، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، ص ۵۳۱.

۳ - بادینی، حسن (۱۳۹۴)، فلسفه مسئولیت مدنی، چاپ سوم، شرکت سهامی انتشار، ص ۳۹۶.

۴ - همان، ص ۹۱.

صورت، قاضی برای احراز زیان از دست دادن توان کار، درآمدی که آقای الف می‌توانست در آینده کسب کند را محاسبه خواهد کرد. طبیعتاً، قاضی به فرصت‌های کاری فراوانی که پیش روی آقای الف (به عنوان فردی از گروه اکثریت) بوده و نیز، دستمزد بیشتری که معمولاً برای مردان نسبت به زنان در نظر گرفته می‌شود، توجه خواهد کرد. بر این اساس، غرامتی که برای آقای الف تعیین خواهد شد، بیشتر از غرامتی خواهد بود که ممکن بود در موقعیت مشابه برای یک فرد از گروه اقلیت نژادی یا یک زن تعیین بشود. بدین ترتیب، حقوق مسؤولیت مدنی، از شکافی که به وسیله ساختارهای جامعه میان زنان و مردان و یا بین اکثریت و اقلیت ایجاد شده، تاثیر می‌پذیرد.

گاه ننی حقوق مسؤولیت مدنی، تبعیض‌های موجود در جامعه را تثبیت کرده و تعمیق می‌بخشد. برای نمونه، در یک خط زمانی، چهار نقطه زمانی را در نظر بگیرید. این چهار نقطه که به ترتیب با فاصله، محقق می‌شوند را نقطه زمانی یک، دو، سه و چهار می‌نامیم. حال، فرض کنید به مدت خانم الف که یک اقلیت نژادی است، در نقطه زمانی یک در اثر حادثه‌ای که آقای ب سوار آن است، آسیب وارد می‌شود، به نحوی که وی، توانایی فعالیت و کسب درآمد را از دست می‌دهد. قاضی، طبیعتاً برای تعیین خسارت وارده به خانم الف شرایط جامعه را در آن زمانه یک در نظر می‌گیرد. اگر فرض کنید در این شرایط، دستمزد زنان نصف دستمزد مردان باشد، طبیعتاً قاضی با توجه به همین دستمزد میزان غرامت خانم الف را تعیین خواهد کرد. به علاوه، از آنجا که اقلیت‌های نژادی که خانم الف از آنها شمرده می‌شود از امکانات بهداشتی پایین برخوردارند، میزان امید به زندگی آنها پایین‌تر از متعارف مردم است، لذا دادگاه، با توجه به همین میزان متعارف، مدتی که آقای ب باید به خانم الف غرامت پرداخت کند را مشخص خواهد کرد. با توجه به این نکته، اگر در موقعیت‌های همانند، عامل زیان تا نقطه زه به چهار به پرداخت غرامت محکوم می‌شد، در این فرض، عامل زیان به پرداخت غرامت تا نقطه زمانی سه محکوم خواهد شد. بدین ترتیب، قاضی در صدور حکم خویش، پیش‌بینی می‌کند که ساختارهای تبعیض‌آمیز جامعه در آینده نیز تداوم خواهد داشت، در نتیجه، می‌توان گفت که او با صدور حکم خویش، بقای وضعیت کنونی را تقویت و تثبیت می‌کند. ماجرا زمانی سخت‌تر خواهد شد که در نقطه زمانی دو، دستمزد زنان با مردان برابر شود و یا با بهبود وضعیت بهداشتی اقلیت نژادی که خانم الف به آن تعلق داشت، میزان امید به زندگی آنها به نقطه زمانی چهار برسد. در این صورت، غرامت تعیین شده برای خانم الف، بر خلاف جهان واقعیت‌هاست. آیا در این فرض، به خانم الف اجازه می‌دهیم تا از طریق روش‌های قانونی، بازبینی حکم صادره و انطباق آن با وضعیت جدید را مطالبه کند؟ همچنین، با توجه به اینکه

مسیر جامعه بشری به سمت رفع تبعیض و برقراری برابری پیش می‌رود، آیا می‌توان به قاضی اجازه داد که در زمان صدور حکم، نه به زمان حاضر، بلکه به آینده‌ای که در آن تبعیض و تمایز نیست، چشم بدوزد و خسارت را بر اساس آینده‌ای که هنوز نیامده، تعیین کند؟

دادن پاسخ مثبت به این پرسش‌ها دشوار است. ساده‌ترین کار این است که با بی‌توجهی به ساختارهای تبعیض‌آمیز جامعه، رفع تبعیض را به سایر رشته‌های حقوقی محول کرد و از این جهت، حقوق مسئولیت مدنی را خشتی و بی‌طرف دانست اما حقیقت این است که این رویکرد به معنای بی‌طرفی نیست، بلکه اتفاقاً به معنای تبعیت از ساختارهای تبعیض‌آمیز و دامن زدن به «برابری‌ها و بی‌عدالتی‌هایی است که از قضا، حقوق مسئولیت مدنی می‌توانست مدعی برای رفع آنها بردارد. نباید از یاد برد که اگر هدف حقوق به صورت کلی برقراری عدالت است، طبعاً بخشی از این هدف، دست‌کم در روابط زیان‌بار، بر عهده حقوق مسئولیت مدنی گذاشته خواهد شد. بنابراین، دلخوش بودن به بی‌طرفی، نادیده گرفتن رسالتی است که امروز، مسئولیت مدنی می‌توانست از عهده آن برآید.

به هر روی، اینکه حقوق مسئولیت مدنی تا چه اندازه به تثبیت تبعیض‌های موجود در جامعه کمک می‌کند و البته تا چه اندازه می‌تواند در رفع آنها نقش داشته باشد، دغدغه کتاب پیش‌رو است. نویسندگان در شش فصل سعی کرده‌اند مباحث مختلفی را در ارتباط میان حقوق مسئولیت مدنی و تبعیض بر مبنای تراز جنسیت مطرح کنند.

در فصل نخست با عنوان چارچوب نظری، ابتدا طرح کوتاهی از دو نظریه معاصر و مطرح توسط حقوق‌دانان مسئولیت مدنی یعنی نظریه «عدالت و اقتصاد»^۶ و نظریه «عدالت ترمیمی»^۷ ارائه می‌شود. در نظریه نخست، هدف حقوق مسئولیت مدنی رسیدن به بالاترین میزان «کارایی» معرفی می‌شود. این نظریه، مسئولیت مدنی را به عنوان نظامی از قوانین طراحی شده برای به حداکثر رساندن ثروت و به حداقل رساندن هزینه‌های مربوط به شرکت در فعالیت‌های روزانه می‌بیند. از سوی دیگر، نظریه عدالت ترمیمی، بر مبنایی غیرسودگرایانه نسبت به قانون استوار است و بر نقش قانون بر «اصلاح آسیب وارده از سوی یک بازیگر خاص (خواهان زیان‌دیده) به شخص دیگر (خوانده عامل زیان) و مبنای هنجاری وظیفه خوانده در مورد جبران خسارت تأکید می‌کند.

برخلاف نظریه پردازان حقوق و اقتصاد، نظریه پردازان عدالت ترمیمی معتقد نیستند که حقوق مسئولیت مدنی، مسائلی «کلان» نظیر حداکثرسازی ثروت را به درستی درک کرده،

۵- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۲)، فلسفه حقوق، جلد یکم، چاپ ششم، شرکت سهامی انتشار، ص ۵۱۳.

6- law and economics

7 - corrective justice

به آن پرداخته یا باید پردازد. نوشته‌های آن‌ها بر ساختار خاصی از حقوق مسئولیت مدنی تأکید دارند که در آن پرداخت غرامت، فقط باید از سوی عامل زیان صورت گیرد؛ حتی اگر در نتیجه پرداخت غرامت از سوی منبعی دیگر، نتیجه‌ای کارآمد حاصل شود. مهم‌تر این که از منظر عدالت ترمیمی جبران خسارت زیان‌دیده مهم‌ترین مسأله حقوق مسئولیت مدنی است. در مقابل، رویکرد حقوق و اقتصاد، بازدارندگی را به عنوان عملکرد اصلی این حقوق دانسته و جبران خسارت را صرفاً وسیله‌ای برای دستیابی به سطح مطلوبی از بازدارندگی می‌داند.

نویسندگان پس از بیان دو نظریه فوق، نظریه خود را ارائه کرده و سپس تلاش می‌کنند تا در فصل‌های بعدی کتاب آن را بر مصادیق مختلف اعمال کنند. به باور نویسندگان، حقوق مسئولیت مدنی هم‌اینک در خدمت تثبیت و حتی تعمیق شکاف‌های موجود در جامعه میان مردان و زنان و نیز، میان اقلیت و اکثریت است. ساختارهای کنونی حقوق مسئولیت مدنی، موقعیت اجتماعی پایین زنان و اقلیت‌های نژادی را منعکس و تقویت می‌کنند. در این ساختار زیاده‌های عمدی و عاطفی در حاشیه قرار دارند، زیان‌هایی که عمدتاً درباره زنان و اقلیت‌های نژادی مطرح می‌شوند. در حالی که به اعتقاد نویسندگان لازم است که زیان‌های عمدی و عاطفی از حاشیه حقوق مسئولیت مدنی خارج و در مرکز این رشته مورد بررسی قرار گیرد. در نظر نویسندگان، حقوق مسئولیت مدنی باید به عنوان ابزاری برای حقوق بشر در خدمت رفع نابرابری‌ها و تبعیض‌ها باشد. در این مسیر، تلاش می‌شود تا نشان داده شود که چگونه آسیب‌های مربوط به زنان و اقلیت‌ها در نتیجه عدم شناسایی و ناچیز دانستن درد و رنج وارده دست کم گرفته می‌شود.

در فصل دوم، نویسندگان مسیری تاریخی را توصیف می‌کنند. آن‌ها در این مسیر تاریخی یادآور می‌شوند که تا اواسط قرن نوزدهم، ساختار تعین شده تا حد زیادی به وضعیت قانونی و اجتماعی شخص آسیب دیده بستگی داشت. در آن دوران، نژاد و جنسیت تعیین می‌کردند چه کسی حق اقامه دعوا برای مطالبه خسارت ناشی از آسیب‌هایی که به وی وارد شده است را دارد. همچنین این دو عنصر، بر ماهیت و وجود دعاوی ماهوی افراد تأثیر می‌گذاشتند.

دو مقوله نهاد برده‌داری و همچنین رژیم قانونی تحت تصدی و تکفل شوهر بودن^۸ که حقوق قانونی مستقل برای زنان متأهل را رد می‌کرد، مانع از این می‌شد که آمریکایی‌های آفریقایی‌تبار و زنان با هر نژادی بتوانند برای مطالبه خساراتی که به حقوق‌شان وارد شده است، اقامه دعوا کنند. از آنجا که برده‌ها تحت مالکیت صاحبان‌شان بودند، وارد آمدن

آسیب‌های شخصی به برده‌ها، به جای آنکه آسیبی به خود برده تلقی شود، به عنوان آسیبی به صاحبان‌شان تلقی می‌شد. آنچه به لحاظ حقوقی به رسمیت شناخته می‌شد این بود که آسیب شخصی به برده، در درجه اول نوعی زیان اقتصادی و مالی به برده‌دار محسوب است. در همان دوره، زنان متأهل نیز هیچ‌گونه وضعیت حقوقی مستقلی نداشتند. دکترین تحت تصدی و تکفل شوهر بودن به این نکته اشاره می‌کرد که تمامی حقوق قانونی زنان پس از ازدواج در حقوق شوهران‌شان ادغام می‌شود، که این امر اساساً به معنی انکار موجودیت قانونی شخصی و مستقل برای زنان بود.

با پایان برده‌داری و کنار گذاشتن رسمی دکترین تحت تکفل بودن زنان در نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم، نظریه مسئولیت مدنی به‌طور فزاینده‌ای شروع به اتخاذ نگاهی بی‌طرفانه نسبت به دو مقوله جنسیت و نژاد کرد. با این وجود، نویسندگان بر این نکته پافشاری می‌کنند که این تغیر در حقوق مسئولیت مدنی، عمدتاً لفظی (و نه در عمل) بود. ممکن است که نگاه‌های جنسیت‌زد یا نژادپرستانه از ظاهر حقوق مسئولیت مدنی حذف شده باشند، اما همچنان ملاکات نژاد و جنسیتی در شناسایی آسیب‌ها و تعیین میزان خسارات آن‌ها نقش داشتند.

تا مدت‌ها پس از آنکه زنان متأهل، زنان پیدا کردند به دلیل آسیب‌های شخصی به نام خودشان شکایت کنند، دعاوی مسئولیت مدنی مطرح شده از سوی زنان همچنان با تفاوت‌های جنسیتی مشخص می‌شدند. پیش‌فرض‌ها و انگاره‌های رایج درباره جنسیت بر نحوه دسته‌بندی‌ای که دادگاه‌ها در ارتباط با برخی دعاوی مسئولیت مدنی که شاکیان آن‌ها زن بودند انجام می‌دادند، تأثیر داشت و در تعیین این به کلام نه از دعاوی مطالبه خسارت به لحاظ حقوقی قابلیت جبران دارند، نقش داشت. افزون بر این، ملاک برده‌داری تا سال‌ها بر سر مسئولیت مدنی سایه افکنده بود. اگرچه پس از لغو برده‌داری، سیاه‌پوستان می‌توانستند در دادگاه‌ها برای جبران آسیب‌های وارده به خود مطالبه خسارت کنند، اما اغلب، ارزش زندگی آن‌ها و رنجی که متحمل شده‌اند، کمتر از سفیدپوستان مطرح گرفته می‌شد، که این خود متعکس‌کننده موقعیت پایین‌تر سیاه‌پوستان در جامعه آمریکا به عنوان یک جامعه طبقه‌بندی شده مبتنی بر نژاد بود. نویسندگان برای اثبات دقیق‌تر مدعای خویش دو دسته از پرونده‌ها را مطرح و سیر تاریخی تصمیم‌گیری قضات درباره آن‌ها را شرح می‌دهند. دسته نخست، پرونده‌هایی است که در آن زمان با عنوان پرونده‌های «شوک عصبی» شناخته شدند. دسته دوم، پرونده‌هایی است که از سوی آمریکایی‌های آفریقایی‌تبار مطرح می‌شدند. تمرکز در این پرونده‌ها بر روی نژاد و ارزش‌گذاری پایین صدمات وارده است.